حکمت‌اله ملاصالحی*

# تاوان بی‌خبری تاریخی

فارغ از هر نوع سوگیری، فارغ از هرگونه دلبستگی و تعلق خاطر حرفه‌ای و رشته‌ای و پیراسته از داوری جانب‌دارانه، شواهد فراوان در دست است که هر انسان واقع‌بین و خوش‌فهم و دوست‌دار خِرد و منطق را متقاعد می‌کند که بپذیرد؛ در میان رشته‌ها و دانش‌های نوظهور روزگار ما رشته و دانش باستان‌شناسی و باستان‌شناسان، در کشف و دستیابی به منابع و ماده‌های جدید شناخت اعم از نوشتاری و نانوشتاری تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان بشری ما هم در صف مقدم ایستاده‌اند هم در رشته‌ها و دانش‌های مرتبط افق‌ها و چشم‌اندازهایی از آگاهی و معرفت تاریخی را به روی ما گشوده‌اند که دو سده پیش تصورش در ذهن نمی‌گنجید. منابع و ماده‌های شناختی را که طی هزاره‌های متمادی متروک و مفقود و مدفون بودند و ناشناخته و نامکشوف و غایب از نظر و منظر آگاهی ما اینک پیش‌روی ما و زیر سقف و پشت شیشه و ویترین موزه‌های عالم مدرن در برابر ما. این سخن یک ادعا نیست. حجم سنگینی از منابع و ماده‌های مکشوفِ دست باستان‌شناسان گواه بر چنین ادعایی است و مهر تأیید بر راستی و درستی سخن ما می‌نهند. کارنامه حرفه‌ای و پژوهشی و مطالعات میدانی پرهزینه و عمرخوار دانش باستان‌شناسی و باستان‌شناسان به کاوش و کشف منابع و ماده‌های شناخت متروک و مفقود و مدفون ناشناخته از لایه‌ها و نهشت‌های باستان‌شناختی، محدود و بسنده نمی‌شود. دانش باستان‌شناسی به مدد و با همکاری رشته‌ها و دانش‌ها و تخصص‌های مرتبط دیگر در روشنگاه پرسش‌های جدید، داوری‌های نو، تبیین‌ها و بازخوانی‌ها و معناکاوی‌ها و تفسیرهای تازه، افق‌های تازه‌ای از آگاهی از دانش و دانایی از فهم نو را از عقبه تاریخی و پیشینه فرهنگی و سابقه اجتماعی و فرایند پیچیده جغرافیای پرچین‌وشکن هستی و چیستی انسانی و انسان‌بودن ما چونان هستندگانی تاریخمند و چند میراثی به روی ما گشوده‌اند که در نوع خود بی‌سابقه‌اند.

در سپهر رشته‌ها و دانش‌های انسانی هیچ رشته و دانشی آن‌گونه که دانش باستان‌شناسی و باستان‌شناسان هر بار با کشف منابع و ماده‌های تازه تنور کنجکاوی‌ها و کشش‌ها و کنش‌ها و خیزش‌های شناختی و شناخت‌ورزانه ما را که از جمله شاخصه‌ها و امکانات وجودی بشری ما را شامل می‌شوند؛ گرم و شعله‌بیز نکرده است. در روزگار بحران‌ها و چالش‌های عظیم تخریب‌های گسترده و نابودی پی‌درپی محوطه‌های باستانی و مآثر تاریخی و مواریث تاریخ و فرهنگ جامعه و جهان بشری ما باستان‌شناسان همچنان در صف مقدم آگاهی‌بخشی و صیانت و حفاظت و حمایت و تدبیر و چاره‌اندیشی و پاسداری و مرمت و بازسازی و معرفی مآثر تاریخی و مواریث تاریخ و فرهنگ جامعه و جهان بشری ما اعم از ملموس و ناملموس، ایستاده‌اند. برای آغازین بار شاهد نگارش و تحریر و تدوین تاریخ بشر در مقیاسی انسان‌شمول به مدد و با وساطت و بر زمینه منابع و بر شانه ماده‌هایی هستیم که بخش اعظمشان را باستان‌شناسان کاویده‌اند و کشف کرده‌اند و در اختیار ما نهاده‌اند. کمتر رشته و دانش یا علمی یا سنت اعتقادی و نظام فکری را شما می‌یابید که در نگارش و تحریر و تدوین تاریخ و عقبه تاریخی‌اش از خوان ضیافت منابع و ماده‌های باستان‌شناسی مدد نجسته و بهره نبرده باشد. موزه‌های عالم مدرن بدون منابع و ماده‌های مکشوف دست باستان‌شناسان هرگز و هیچ‌گاه به چنین غنایی نبوده‌اند که اینک هستند. اینها همه مصداق‌ها و مشت‌های کوچک گشوده از خرمن‌های عظیمی از کارنامه دانش باستان‌شناسی و خروارهایی از کار و کارنامه مطالعات میدانی و نامیدانی باستان‌شناسان است. البته و صد البته نه روایت و حکایت مو به مو و نکته به نکته دستاوردهای عظیم رشته و دانش باستان‌شناسی یا به مفهوم جامع‌تر علوم باستان‌شناختی. قیامتی که باستان‌شناسان در روزگار ما به پا کرده‌اند در تاریخ بی‌سابقه است. قیامتی از کشف منابع و ماده‌های شناخت جدید. قیامتی از طرح پرسش‌ها و مسئله‌های ریز و درشت تازه. قیامتی از دادوستدهای عظیم علمی و فکری در مقیاسی جهانی میان عالمان و اندیشمندان و پژوهندگان روزگار ما. قیامتی از گفتمان‌های بینافرهنگی میان فرهنگ‌ها و فرهنگ‌شناسان روزگار ما. قیامتی از داد و ستد و تبادل اندیشه‌ها و دانش‌ها و دستاوردهای علمی. تأسف‌بار و تأثرانگیز است که این رشته و دانش نوبنیاد و عمیقا تأثیرگذار بر اندیشه و آگاهی و فهم تاریخی انسان روزگار ما در جامعه ما مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد.

تاوان سنگین این بی‌مهری و جفای بر باستان‌شناسان را مآثر تاریخی و مواریث فرهنگی مُلک و ملت ما می‌باید می‌پرداختند که پرداختند و همچنان می‌پردازند! تضعیف و تخفیف و تحقیر گام به گام باستان‌شناسان و پژوهشکده باستان‌شناسی که حکمت، خِرد، منطق، معرفت، معنا و در یک کلام فلسفه وجودی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را بدون حضور مؤثر باستان‌شناسان و پژوهشکده باستان‌شناسی نه می‌توان درست فهمید و نه راست معنا و درست تعریف کرد؛ تخفیف و تضعیف و محدودکردن و ایجاد مانع‌تراشی‌های پی‌درپی و ایجاد انقباض و انسداد در تحرک و تحقق طرح‌ها و برنامه‌های پژوهشکده و گماردن و بر صدر نشاندن ناباستان‌شناسان بر کرسی معاونت‌های پژوهشگاه از آغاز فکری باطل بوده است و فعلی ضد ملی و پرهزینه و خسارت‌بار برای کشور. از کارنامه غیرقابل دفاع و افکار و اقوال و اعمال ضد ملی و ضد میهنی مدیران دولت‌های پیشین در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی درس عبرت بیاموزیم و گام بر گام آنها ننهیم و بیش از این پژوهشکده باستان‌شناسی را تضعیف نکنیم و دست از به‌حاشیه‌راندن و بی‌مهری و جفای به باستان‌شناسان کوتاه کنیم. در مسیرهای کژ و باطلشان گام برنگیریم که تاوانش سنگین است و عواقبش خطرناک و تبعاتش خطرخیز برای کشور. یک وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی توانا و دانا و کارآمد، با دست و دامنی پر از خدمت و کارنامه درخشان بدون حضور فعال پژوهشکده باستان‌شناسی بدون برشانه‌گرفتن مسئولیت‌های خطیر اداری و اجرائی و حقوقی و علمی و عملی پژوهشکده و بدون حضور مؤثر باستان‌شناسان، نه تنها ممکن نیست بلکه پرهزینه و پرخسارت برای کشور است. پژوهشکده‌های باستان‌شناسی در بسیاری کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته ذیل هر نام و عنوانی زیر خیمه هر نهاد و سازمان و تشکیلات و وزارتی که تعریف شده‌اند فعالیت می‌کنند. اتفاقا از نهادهای بسیار قدرتمند و بسیار تأثیرگذار به لحاظ فرهنگی هستند. در ارتقای آگاهی تاریخی و حساسیت جامعه به صیانت از مواریث فرهنگی کشور خود حضور پررنگ دارند. نقش و سهمشان در رشد فرهنگی و در برافراشتن پرچم همبستگی اجتماعی و وفاق ملی در این جوامع بسیار تعیین‌کننده بوده است. این همان چیزی است که خوشایند و به منفعت مطامع باندهای تبهکار و لات‌های قاچاقچی مواریث فرهنگی نیست. خوشایند و به منفعت جماعتی تاجرپیشه فرصت‌طلب. تاریخ ما ایرانیان گران‌بار از تیرها و تیغ‌ها و خنجرهایی است که در لحظه‌ها و بزنگاه‌ها و پیچ‌های خطرخیز و گلوگاه‌های سخت تاریخی از پشت، پیکر مُلک و ملت ما را دریده است. تخفیف و تحقیر و تضعیف پژوهشکده باستان‌شناسی و پروا و پرهیز حتی از بردن نام باستان‌شناسی و باستان‌شناسان خنجر دیگری است که از پشت پیکر پژوهشکده و میراث کشور را می‌درد! برای این جماعت مآثر تاریخی، مواریث فرهنگی چونان فرش بهارستان است و غنیمت در دست فاتحان که می‌باید تکه‌تکه‌اش کرد و به تاراجش داد! متأسفانه صدرنشینان وزارت میراث فرهنگی از مزایای عظیم پژوهشکده و دانش باستان‌شناسی که در باب پاره‌ای از مصادیقش مجمل و موجز و فهرست‌وار در پیش سخن رفت، مویی نمی‌دانند. و از این غفلت و بی‌خبری تاریخی چه زیان‌های سنگین ندیده‌ایم و چه گران تاوانش را نپرداخته‌ایم! بی‌خبری از مزایای دانش باستان‌شناسی و باستان‌ناشناسی و نادانی باستان‌شناسانه معلول همین بی‌خبری تاریخی است که دهه‌هاست گریبان و گلوی جامعه ما را می‌فشارد و می‌خراشد. زمانی برای دستیابی به اطلاعات معتبر و قابل اعتماد و اعتنا درباره انسان و جهان، درباره اتفاقات و تحولات گذشته تنها منابعی که در اختیار بود؛ کتب مقدس و گزارش‌های مورخان و سفرنامه‌نویسان بود. حتی بخش بزرگی از منابع نوشتاری اعم از مسکوکات و کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها که بر پیشانی و سینه کوه‌ها و صخره‌ها از ادوار گذشته بر جای مانده بودند؛ با وجود آنکه مردم آن روزگاران آنها را می‌دیدند، اما همچنان برایشان نامکشوف و ناشناخته و ناخوانده بودند. دانش باستان‌شناسی را به مفهوم مدرن آن نمی‌شناختند. در روزگار ما برای آغازین بار کلنگ باستان‌شناسان و دانش باستان‌شناسی چابک و چالاک‌تر از قلم مورخان در صف مقدم اندیشه و آگاهی و دانش و دانایی تاریخی ما گام برمی‌گیرد و پیشینه تاریخی و عقبه فرهنگ، جامعه و جهان بشری ما را تا آن سوی مرزهای تاریخ طبیعی لایه‌به‌لایه می‌کاود و می‌یابد و می‌نگارد. اگر نگوییم دانش باستان‌شناسی مهم‌ترین، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین منابع شناخت ما درباره تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان بشری است. فرهنگ‌های مادی مورد مطالعه باستان‌شناسان، انسان‌شمول هستند. در همه لایه‌ها و نهشت‌های باستان‌شناختی یافته می‌شوند. محدود به ادوار خاص تاریخی مانند منابع نوشتاری نمی‌شوند. موارد استفاده آنها نیز محدود به جامعه‌ها و جمعیت‌های خاص نیست. ملموس و عینی و همه‌سویه در همه عرصه‌های زندگی ما حضور دارند. حضوری مستقیم و بی‌واسطه و فعال بر صحنه. افق‌هایی که دانش باستان‌شناسی به وساطت همین فرهنگ‌های مادی معیوب و مثله و الکن از سپهرهای نهان و آن سوی رخدادها و روندها و دگرگونی‌های تاریخی، فکری و فرهنگی جامعه و جهان بشری ما به روی ما گشوده‌اند در فرهنگ‌ها و جوامع گذشته مسبوق به سابقه نبوده است. کاویدن و کشف و گردآوری و فراخواندن آثار و اجساد مردگان گذشته و بازخوانی کرده‌ها و کردارهای گذشتگان محشر کوچکی نیست که باستان‌شناسان در تاریخ به پا کرده‌اند. تضعیف و تحقیر و تخفیف پژوهشکده باستان‌شناسی در عصر سیطره و سروری تاریخی و تاریخ‌مدارترین تمدن‌ها در تاریخ بشر خیانتی است به تاریخ و فرهنگ مُلک و ملت ما. متقابلا و برعکس تقویت و فراخ‌ترکردن دامنه مسئولیت‌ها و وظایف پژوهشکده باستان‌شناسی و قدردانی و قدرشناسی و گشودن دست باستان‌شناسان در ارائه طرح و برنامه‌های علمی و عملی‌شان خدمتی است بزرگ به تاریخ و فرهنگ کشور.

*استاد دانشگاه تهران و عضو هیئت امنای بنیاد ایران‌شناسی

# موزه ایران باستان نمایانگر معماری ساسانی

**محمدرضا نسب‌عبداللهی: دولت ایران در سال ۱۳۰۶ شمسی تصمیم گرفت موزه‌ای در تهران بسازد. در طرح و نقشه ساختمان پیشنهاد شده بود که بنای موزه هماهنگی لازم را با موضوع و اشیای داخل آن داشته، با تاریخ کشور نیز مرتبط و پیوسته باشد و از این نظر سردر ورودی موزه به شیوه ایوان کسری که یک بنای ساسانی است ساخته شد و رنگ آجرهای آن نیز به همین منظور به رنگ سرخ تیره تعیین شد که نمایانگر معماری عصر ساسانی باشد. ریشه کلمه موزه از لغت یونانی «موزین» (mousein) به معنای محل زندگی موز (mouse) الهه هنر و صنایع در اساطیر یونان باستان گرفته شده. این کلمه در زبان انگلیسی تلفظ میوزیم (museum) و در زبان فرانسه تلفظ موزه (mosee) به خود گرفته. در حدود دهه ۱۲۵۰ شمسی تلفظ فرانسوی موزه به زبان فارسی راه یافت که پیشینه آن به سفر ناصرالدین شاه قاجار به اروپا برمی‌گردد. (نفیسی، ۱۳۹۹: ۳).**

### تاریخچه موزه در جهان

در دوران نوسنگی، انسان مجموعه‌هایی از صدف، گوش‌ماهی، سنگ‌ریزه و استخوان جانوران را گردآوری و از آنها برای تزیینات استفاده می‌کرد. در مراحل بعدی تمدن، این مجموعه‌ها بیانگر شیوه‌های اعتقادی و آیینی اقوام مختلف شد. مجموعه‌های تزیینی و تجملی که به‌ویژه در قبرستان‌های تمدن‌های باستانی بین‌النهرین و فلات ایران یافت شده، اعتقاد به زندگی پس از مرگ را نشان می‌داد. در عهد باستان اشیای گرانبها و نفیس برای برآوردن نیازها در درون زیارتگاه‌ها و معابد گردآوری می‌شد. این امر در تمام جوامع تمدن‌های باستانی فراوان یافت می‌شود.

در جامعه امروزی ما، موزه نمایانگر نهادینه‌شدن این گرایش همگانی به گردآوری است (نفیسی، ۱۳۹۹: ۴).

### قدیمی‌ترین موزه جهان

قدیمی‌ترین موزه جهان توسط باستان‌شناس «لئونارد وولی» (Leonard Wooley) در سال ۱۹۲۵ میلادی کشف شد. این موزه قدیمی توسط شاهزاده خانم بابلی در دوهزارو ۵۰۰ سال پیش ساخته شده است. لئونارد وولی یک مجموعه از مصنوعات را درحالی‌که در قصر بابلی کاوش می‌کرد، کشف کرد. این اشیا از زمان‌ها و مکان‌های مختلفی بودند و با این حال به صورت منظمی سازمان یافته و حتی برچسب‌گذاری شده بودند.

### پیشینه موزه در یونان باستان

در پایان سده چهارم و آغاز سده سوم پیش از میلاد مسیح که مصر پایگاه فرهنگ و هنر یونان شد، بطلمیوس اول از سرداران اسکندر مقدونی (۲۸۳-۳۲۱ ق.م) به اعتلای فرهنگ و هنر یونان همت گماشت و توجه برجسته‌ترین دانشمندان یونان، آسیای صغیر و پاره‌ای از کشورهای دور و نزدیک به مصر جلب شد.

بطلمیوس در کنار کاخ مسکونی خود در شهر اسکندریه جایی را با نام موزه مشتمل بر یک دانشگاه بزرگ، کتابخانه، آزمایشگاه، رصدخانه و باغ گیاهان و جانوران تأسیس کرد؛ ولی پس از بطلمیوس این فکر دنبال نشد و از این موزه فقط اشاره‌هایی در کتاب‌ها باقی مانده است.

افراد عادی یونان هرچند که خود اشیای هنری گران‌قیمت را جمع‌آوری نمی‌کردند؛ اما موقعیت دیدن اشیای نفیس را در پرستشگاه‌های یونان داشتند. این اشیای نفیس به جهت ارزش معنوی در پرستشگاه قرار می‌گرفتند.

### پیشینه موزه در روم باستان

استفاده از آثار هنری در روم باستان نسبت به یونان تفاوت داشت. سرداران رومی غنائمی را که در جنگ‌ها به دست می‌آوردند، در شهر روم و در پارک‌ها و حمام‌ها و سایر اماکن عمومی به نمایش می‌گذاردند و عامه مردم می‌توانستند از آنها دیدن کنند (نفیسی، ۱۳۹۹: ۵).

### پیشینه موزه در قرون وسطا

در قرون وسطا (۵۰۰ تا ۱۴۵۰ م) در غرب و در شرق به علت فقدان نظام مالی و بانکی صحیح، ثروتمندان و صاحبان سرمایه‌ها با خرید و گردآوری آثار هنری و نایاب، نقدینه‌های خود را از خطرهای متعدد نجات می‌دادند.

علاوه‌برآن اماکن مذهبی نیز در مشرق‌زمین و به‌خصوص کلیساهای مسیحی در مغرب‌زمین دارای انواع مختلف اشیای نادر از قبیل جواهرات و زیورها، سلاح‌های جنگی مزین به سنگ‌های گرانبها و پارچه‌های نفیس بودند. مجموعه اشیای گرانبهای کلیساها فقط گاهی به تماشا گذاشته می‌شد.

### پیشینه موزه در دوره رنسانس

در دوره رنسانس (از قرن ۱۴ تا ۱۶ م) به سبب دگرگونی‌های اساسی و تحولات فکری که در جوامع اروپایی پدید آمد، صاحبان مجموعه‌ها دیگر به مجموعه خود فقط به چشم سرمایه مالی نگاه نمی‌کردند؛ بلکه به ارزش هنری و فرهنگی آنها نیز پی بردند و به این خاطر مجموعه‌ها از مخفیگاه‌ها درآمده، به درون تالار نمایش منتقل شدند.

در این هنگام داشتن مجموعه‌ای از اشیای هنری نه‌تنها علامت ثروت؛ بلکه نشان‌دهنده علاقه صاحبان آنها به هنر و فرهنگ نیز بود.

حتی دانشمندان و علاقه‌مندان به آثار هنری عده‌ای را برای گردآوری آثار ارزشمند به نقاط مختلف جهان نیز می‌فرستادند. آنان با فزونی‌یافتن تعداد اشیای مجموعه‌ها، از کارشناسان و افرادی که اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف فرهنگی داشتند، دعوت می‌کردند تا اشیا را مطالعه کنند و مقالاتی درباره آنها بنویسند.

برای نمایش آثار هنری حجیم خود مانند مجسمه و تابلوهای بزرگ نقاشی، اتاق‌های نورگیر با طول زیاد و عرض کم ساختند و آن را گالری نامیدند.

برخی از مجموعه‌داران نیز با الهام از «موز» گالری‌های خود را موزه نامیدند. از آن پس واژه موزه در دوره رنسانس درباره مجموعه‌های هنری رواج پیدا کرد. از ویژگی‌های این موزه‌های اشرافی یکی این بود که محل گردآوری اشیا بودند و دیگر اینکه بازدیدکنندگان آنها تعدادی معدود و منحصر به گروه‌های خاص بودند (نفیسی، ۱۳۹۹: ۶).

### نهادینه‌شدن موزه در جهان

گشوده‌شدن مجموعه‌های خصوصی به روی مردم (سده ۱۷ و ۱۸ م)، رنسانس و سپس انقلاب صنعتی در انگلستان و اروپای غربی (۱۷۵۰-۱۸۵۰ م) افکار جدید و تأثیرات اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در غرب پدید آورد که در پی آن لزوم بهره‌مندی همه افراد جامعه از همه امتیازات و مزایای اجتماعی احساس شد؛ بنابراین در این ایام مجموعه‌های خصوصی با نام موزه در اختیار عموم افراد جامعه قرار گرفت.

در سال ۱۶۸۳ م. موزه آشمولین نخستین موزه ملی بر مبنای یک مجموعه خصوصی در شهر آکسفورد انگلستان گشایش یافت. در سال ۱۷۵۰ م. در کاخ لوکزامبورگ در شهر پاریس بخشی از مجموعه سلطنتی در معرض بازدید مردم قرار گرفت و در نخستین سال انقلاب کبیر فرانسه موزه هنری لوور در پاریس افتتاح شد.

### موزه در سده‌های اخیر

سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی شاهد تحولات اساسی و بنیادین و استقبال شدید مردم از موزه‌هاست.

استقبال از موزه‌ها به حدی رسید که آنها فعالیت‌های خود را در مسیر خواسته‌های مردم برنامه‌ریزی کردند و موزه‌های تخصصی مانند شیشه، منسوجات و قالی، ابزار موسیقی، زندگی نویسندگان و هنرمندان و... نیز وارد میدان فعالیت شدند.

### موزه در ایران

**۱-موزه همایونی:** نهادینه‌شدن موزه در ایران با آغاز کار و تأسیس کاخ موزه ناصرالدین شاه قاجار در کاخ گلستان آغاز می‌شود. ناصرالدین شاه دستور داد تا قسمتی از ساختمان‌های کاخ را تخریب کنند و اتاق موزه، کتابخانه، سرسرا، حوض‌خانه و سایر ملحقات را بسازند.

اعتمادالسلطنه، از رجال دوره ناصرالدین شاه در توصیف موزه چنین می‌نویسد: موزه به اصطلاح اهالی فرنگ، عبارت است از مکان و محلی که مخزن آثار قدیم و اشیای بدیعه و نفایس و مستظرفات دنیاست و از هر تحفه و یادگاری که در آن مخزون و موضوع است، اهل علم و اطلاع کسب فایدتی و کشف سری می‌نماید و از احوال و اوضاع هر زمان و صنایع و حرف آن و رسوم و آداب معمول آن ایام و آداب و طوایف آن باخبر می‌گردند... این است که موزه همایونی نیز مشحون به ظواهر و جواهر گرانبها و ظرایف و نفایس اشیا و آثار جلیله علمیه و مهمات حربیه قدیم و آلات و ادوات متنوعه و مصنوعات ازمنه سالفه و نتایج خیالات حکمای بزرگوار و تماثیل و نگارنده‌های بی‌مثل و مانند روزگار، پرده‌های نقاشی کار نقاش‌های مشهور و حاصل صنایع کارخانه‌های معروف و ظروف چینی بسیار ممتاز کار چین و سور و انگلیس و ژاپن و بلورآلات کارخانه ساکس و ونیز و سایر کارخانه‌های معتبر و مسکوکات قدیم با صور سلاطین معظم ایران و... به‌علاوه تزیینات لایقه بسیار و محصولات رایقه بی‌شمار که هریک در عالم هم و درایت و حوزه اطلاع و بصیرت گوهری است بی‌بدل و در نفاست امتیاز ضرب‌المثل (نفیسی، ۱۳۹۹: ۹).

**۲-موزه ملی:** در سال ۱۲۹۵ شمسی وزارت معارف و صنایع مستظرفه، موزه ملی ایران را تأسیس کرد. این موزه گویا در آغاز در یکی از اتاق‌های مدرسه دارالفنون قرار داشته و بانی آن مرتضی قلی‌خان ممتازالملک، وزیر معارف و عدلیه در دوره قاجار بوده است.

پس از مدتی این مجموعه از دارالفنون به ساختمان مسعودیه منتقل شد و سپس با تأسیس موزه ایران باستان مجموعه آن شامل ۲۸۰ قلم شیء به موزه تازه تأسیس‌شده انتقال یافت.

### معماری ساسانی در موزه ایران باستان

دولت ایران در سال ۱۳۰۶ شمسی و در اجرای قانون حفظ آثار ملی تصمیم گرفت موزه‌ای در تهران بسازد و مدیریت آن را به یک فرانسوی بسپارد. آندره گدار، معمار و مهندس فرانسوی به‌عنوان مدیر باستان‌شناسی و به منظور نظم‌بخشیدن به وضعیت آثار باستانی به خدمت گرفته شد و در سال ۱۳۰۸ تهیه نقشه ساختمان موزه ایران باستان را به او واگذار کردند.

بلدیه تهران نیز قطعه زمینی را جهت احداث در اختیار آقای گدار قرار داد. پس از تدارک طرح و نقشه ساختمان و تهیه زمین، علی‌اصغر حکمت وزیر وقت معارف دستور شروع ساختمان را در روز ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۱۳ به آندره گدار ابلاغ کرد. در طرح و نقشه ساختمان پیشنهاد شده بود که بنای موزه هماهنگی لازم را با موضوع و اشیای داخل آن داشته، با تاریخ کشور نیز مرتبط و پیوسته باشد و از این نظر سردر ورودی موزه به شیوه طاق کسری که یک بنای ساسانی است ساخته شد و رنگ آجرهای آن نیز به همین منظور به رنگ سرخ تیره تعیین شد که نمایانگر معماری عصر ساسانی باشد.

وسعت کل زمین واگذارشده جهت ساختمان موزه، ۵۵۰۰ مترمربع بود که ۲۷۴۴ متر آن را زیربنا شامل می‌شد. سرانجام ساختمان موزه در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به پایان رسید و برای بازدید عموم افتتاح شد (تهرانی‌مقدم، ۱۳۶۹: ۳).

این موزه، بعدها به‌عنوان موزه مادر، بسیاری از اشیای باستانی را که در ایران به عناوین مختلف کشف شد، به مرور در خود جای داد. طبقه اول به نمایش آثار پیش از تاریخ و دوره تاریخی و طبقه دوم به اشیا و آثار دوره اسلامی اختصاص داشت که هم‌اکنون با عرضه آثار طلایی و نقره‌ای ادوار مختلف، و تالاری ویژه قرآن‌های خطی به کار خود ادامه می‌دهد. پیش از انقلاب اسلامی، موزه به منظور تعمیرات اساسی تعطیل شد و پس از وقفه‌ای چندساله، در سال ۱۳۵۹ تعمیر و نوسازی آن بار دیگر ادامه یافت. تعمیرات براساس طرح تهیه‌شده، در اردیبهشت سال ۱۳۶۴ به پایان رسید.

در مجموعه موزه ملی ایران، به‌عنوان بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و قدیمی‌ترین موزه کشور، بیشترین یافته‌های باستان‌شناسی حاصل از کاوش‌های علمی از دوران پارینه‌سنگی تا اسلامی در قالب دو موزه «ایران باستان» و «دوران اسلامی» به نمایش درآمده است. این بنا را آندره گدار، معمار فرانسوی، با الهام از طاق کسری طراحی کرد و دو معمار ایرانی، عباسعلی معمار و استاد مراد تبریزی اجرای آن را به عهده گرفتند. «موزه ایران باستان» شامل دو موزه «پیش از تاریخ ایران» با آثاری از دوران پارینه‌سنگی قدیم تا اواخر هزاره چهارم پ‌م (یعنی از کهن‌ترین دوران تا پیش از ابداع نگارش) و در «موزه دوران تاریخی» آثاری از اواخر هزاره چهارم پ‌م (یعنی آغاز به‌کارگیری نگارش) تا پایان دوران ساسانی به نمایش گذارده شده است.

موزه باستان‌شناسی و هنر اسلامی ایران براساس پلانی الهام‌گرفته از کاخ ساسانی بیشاپور، به صورت چلیپایی هشت‌ضلعی، با مساحتی حدود ۴۰۰۰ مترمربع و در سه طبقه ساخته شد. این بنا به منظور تأسیس موزه باستان‌شناسی و هنر اسلامی ایران تجهیز و در سال ۱۳۷۵ افتتاح شد.

### معماری ایوان کسری

شیوه پارتی به معماری‌ای گفته می‌شود که بعد از حمله اسکندر در ایران معمول شده و در دوره اشکانی، ساسانی، صدر اسلام و در بعضی نقاط حتی بعد از اسلام تا قرن سوم و چهارم هجری ادامه داشته است. پارت‌ها با وجود جاذبه‌های تمدن‌های هخامنشی و یونانی به دنبال آن تمدن‌ها نرفتند. دلیل آن هم استفاده از مصالح ایدری و بوم‌آورد بود. به همین دلیل اختراع بزرگ خود را در طول تاریخ بشری و یا همان پوشش‌های طاقی در دهانه‌های بزرگ و در سطوح چهارگوش شکل داده‌اند. به طور خلاصه خصوصیات شیوه پارتی عبارت‌اند از حداکثر استفاده از مصالح بوم‌آورد مثل استفاده از سنگ لاشه، خشت خام یا پخته و... استفاده بسیار خوب از تکنیک پیشرفته طاق و گنبد، به‌خصوص گنبد با استفاده از مصالح بوم‌آورد و به‌کارگیری ملاطی به نام قیر چارو، تنوع فوق‌العاده در طرح‌ها و پرهیزنکردن از شکوه و ارتفاع زیاد». از ابتدای سده نوزدهم به موزه و نقش سازنده آن در جوامع مختلف پی برده شد و موزه‌های گوناگون در نقاط مختلف جهان فعالیت خود را آغاز کردند. با گسترش موزه‌ها لزوم به کار گرفتن کارکنان بیشتر و آموزش آنان بیش از پیش احساس شد. نظر به استقبال مردم و به جهت بهره‌مندکردن هرچه بیشتر آنان از مزایای مختلف موزه مساعدت و همکاری کارکنان موزه جنبه علمی به خود گرفت و آموزش به‌عنوان یکی از عملکردهای موزه‌ها شناخته شد و فعالیت موزه‌ها در زمینه‌های مختلف هنری، فرهنگی و آموزشی بیشتر و پربارتر شد.

دوره ساسانی (۶۵۱- ۲۲۴ میلادی) یکی از مهم‌ترین و پرحادثه‌ترین دوره‌ها از میان سه دوره نام‌برده به شمار می‌رود. پایتخت کشور ساسانی شهر تیسفون در کشور عراق کنونی بود که در آن دوره جزء قلمرو کشور ایران قرار داشت. در شهر تیسفون علاوه بر موقعیت‌های مکانی، بناهای متعدد ازجمله «طاق کسری» قابل ذکر هستند. طاق کسری از یک طرف احتمالا تحت تأثیر دوره‌های پرنفوذ قبل از خود بود؛ و از طرف دیگر به طور محسوس بر بناهای دوره‌های حکومتی بعد از خود نیز مؤثر بوده است. تأثیرگذاری بناهای ساسانی به‌ویژه خصوصیات طاق کسری از اهمیت واجدالوصفی برخوردار بوده‌اند.

طاق کسری (ایوان مداین) در جنوب شهر بغداد در کشور عراق واقع شده است. طاق کسری در زمان شاپور اول ساسانی در نیمه دوم سده سوم میلادی ساخته شده است. این ایوان تالار پذیرایی سلاطین بود. این بنا به منظور نمایش عظمت ساخته شده است تا قدرت و ثروت را نشان دهد.

شهر «تیسفون را نخستین بار اشکانیان به‌عنوان اردوگاه نظامی در برابر سلوکیه در ساحل دجله برپا [کردند] و سپس براساس طرح دایره شکل آن را به شهری تبدیل [کردند] که به پایتختی برگزیده تبدیل [شد] و چنان گسترش و شکوهی [یافت] که در دوران ساسانی نیز همچنان به‌عنوان پایتخت اصلی بر جای [ماند]».

بقایای تالار بزرگ عهد ساسانی در محل تیسفون (یا به زبان پهلوی تیسپون)، عراق کنونی که جزئی از کاخ سلطنتی بزرگ معروف به ایوان کسری بوده است، طول و عرضش را به ترتیب حدودا ۳۶۵ و ۲۷۵ متر تخمین زده‌اند.

خصوصیات زیادی در طاق کسری مشاهده می‌شود. اما دو ویژگی معماری ایران در آن به‌خوبی آشکار است. یکی استفاده از تناسبات طلایی ایرانی است که از آن مستطیلی به اندازه ۲۴ گز در ۴۰ گز (۲۵/۳۰ × ۴۲/۶۰ متر) به دست آمده است و در وسط آن طاق آهنگی با دهانه حدود ۲۴ گز ساخته شده است؛ و دیگری نیز استفاده از مصالح خشتی است. علاوه بر این مورخان و متخصصان دیگر نیز ابعاد دهانه، عمق و ارتفاع ایوان را به ترتیب ۲۵ متر، ۵۰ متر و ۳۰ متر (پوپ ۱۳۷۰. ص. ۵۵) ذکر کرده‌اند. پوپ معتقد است که بر بالای این طاق، زمانی یک دیوار به بلندی هفت متر وجود داشت».

حسن پیرنیا (تاریخ‌نگار اواخر قاجار) استفاده از تناسب طلایی ۲۴×۴۰ گز را برای تالار طاق کسری خاص معماری ایرانی می‌داند. او تصویر دقیقی از برداشت خود از طاق کسری را چنین بیان می‌کند؛ در پلان طاق کسری در کنار ایوان‌ها، دهلیزهایی همراه مردگرد ساخته شده است. در ساختمان طاق آن نیز انواع فرم‌های مختلف دیده می‌شود. نوع آجرکاری در بالا به صورت ضربی، پایین‌تر به صورت رومی و چپیله است. پیشرفتگی‌ها و بقیه نکات همه و همه به صورت محاسبات دقیق بوده است. هندازمان یا محاسبات استاتیکی دقیقی که قبل از کار ساختمانی انجام می‌شده، در ساخت این بنا به‌خوبی مشاهده می‌شود.

در مقایسه با گفته‌های پیرنیا تصویرسازی ایدت پرادا (باستان‌شناس) بیشتر به تخیل شباهت دارد. از نظر پرادا نباید این بنا را متمرکز بر یک تالار بزرگ «طاق» تصور کرد، بلکه بیشتر چون یک مجموعه متقارن پنداشت که با یک ساختمان به همان بزرگی «طاق» در برابر ویرانه موجود سر برافراشته است. حفاران آلمانی که آثار این ساختمان را کشف کردند توانایی تعیین حدود اضلاع حیاط عظیم به‌دست‌آمده را نداشتند. در همان محور تالار بزرگ «طاق» اما رو به سوی مخالف، دومین تالار قرار داشت که تنها اندکی کوتاه‌تر از تالار نخست بوده و بی‌شک در شیوه مشابهی با یک طاق بشکه‌ای (هلالی) پوشیده شده بود. نه‌تنها حفاران موفق به ایجاد ارتباط میان این دو تالار نشدند، بلکه هیچ پیشنهاد اساسی را نیز در توصیف وظیفه آنها نتوانستند ارائه کنند. به طور کلی دانشمندان مایل هستند تعبیر سنتی تالار بر پا ایستاده موجود را به‌عنوان «تالار بزرگ تخت» این کاخ بپذیرند، اگرچه دیوارهای خشن آن که از آجرهای نیمه‌پخته ساخته شده و در ملاط گچ چیده شده‌اند، به‌هیچ‌وجه مانند گذشته باشکوه نیستند. برای به‌دست‌آوردن تصویری از ظاهر اصلی این بنا مجبور هستیم به تاریخ‌نویسان عرب روی بیاوریم، آنهایی که برای ما از صحنه‌های تصویری تالار تخت که در میان آنها صحنه‌ای از خسرو یکم در جنگ آنتیوک (انطاکیه) وجود داشت حکایت می‌کنند.

علاوه بر این موارد، آرتور پوپ (باستان‌شناس) نمای وسیع و مرتفع طاق کسری را این‌چنین توصیف می‌کند. در این نما چند ردیف کم‌عمق با ستونچه‌هایی به وجود آمده که اندازه هر ردیف با دیگری متفاوت است. محورهای عمودی امتداد نیافته است و این برای هواداران معماری ناب ناراحت‌کننده است، زیرا آنان عقیده دارند همه تابع‌های حامل بار باید دارای مختصات قائم باشد؛ اما در این نما ستونچه‌ها باری تحمل نمی‌کنند و مانند طاق‌های متعدد جنبه زینتی دارند. آنها از طرفی عظمت بنا را تأکید و در همان حال یکنواختی و خشونت یک چنین نمای عظیمی را تعدیل می‌کنند. به‌علاوه، عنصری از شگفتی، نرمش و آهنگی پادضرب پدید می‌آورند که با سایه‌های جابه‌جاشونده تشدید می‌شود و به کل بنا روح می‌بخشد.

در ادامه توصیف‌های پیشین پرادا می‌افزاید، نمای کاخ تیسفون، چون کاخ آشور به ردیف‌های افقی تقسیم شده است که به وسیله طاق‌نماها و ستون‌های دوقلو [منتهی] شده‌اند. در تیسفون شکل و اندازه طاق‌نماها از هر ردیف به ردیف دیگر فرق می‌کند. هر ردیف واحد مستقلی را مانند یک نوار افقی و بدون هیچ ارتباطی با تأکیدهای عمودی نمای بنا، تشکیل می‌دهد. به‌این‌ترتیب دو ردیف از طاق‌نماها به طاقی پایان می‌پذیرند که بر یک ستون قرار نمی‌گیرند، بلکه با پایه کنج دیوار ترکیب می‌شوند. در اینجا نشان دیگری از ویژگی‌های معماری ساسانی خود را ظاهر می‌سازد. معمار ساسانی به این موضوع که نما باید به طور منطقی و با اصول ساختمانی چون در بناهای کلاسیک یونان [منتهی] شود، اهمیتی نمی‌داد، بلکه از نظر او نما باید بیشتر با طرحی ساخته شود که بتوان آن را به دلخواه امتداد داد و به مقدار زیادی تزیین کرد.

در پایان این بحث تحلیلی توصیفی درباره طاق کسری باید افزود هنوز هیچ‌یک از صاحب‌نظران درباره پوشش دهانه ایوان چیزی را پیشگویی نکرده‌اند مثلا آنها نگفته‌اند که دهانه مشرف به فضای باز ایوان با چه نوع دری یا هر پوشش ممکن کنترل اقلیمی و امنیتی می‌شده است.

**منابع:**

**نفیسی، نوشین‌دخت، ۱۳۹۹، موزه‌داری، تهران، انتشارات سمت**
**تهرانی‌مقدم، احمد، ۱۳۶۹، موزه‌ها، تهران، سازمان میراث فرهنگی**
**آهنچی، نیلوفر، ۱۳۷۳، نشریه هنر، تهران**

## یادداشت

# هنر هخامنشی

علیرضا عسکری‌چاوردی*

هنر هخامنشی حکمت اندیشه چند هزار سال تجربه خاورمیانه است که در اندیشه خلاق مردم ایران به بار نشسته و این زایش هنری شکل گرفته است. هنر هخامنشی نشان می‌دهد که ذهن و اندیشه ایرانی مادامی که در بستر و مسیر صحیح خود قرار گیرد، این‌گونه زایش‌های هنری را پدید می‌آورد. جامعه ایرانی به دلیل پویایی هنر هخامنشی همچنان در عصر سلوکی، اشکانی، ساسانی و عصر اسلامی تا به امروز پویا و زنده است. در حقیقت تجربه خلاقانه الگوهای معرفتی دوره هخامنشی است که در تلفیق با ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این دوره زمینه شکل‌گیری نوعی هنر دانش‌بنیان را فراهم کرد.

در مرحله نخست، در بازشناسی ساختار شکل‌گیری حکومت هخامنشیان باید سیستم‌های شهری، مدنی و هویتی را شناخت تا به اندیشه خلاقانه و دانش‌محور هخامنشیان پی برد.

شهر اَنشان (اَنزان) به‌عنوان نخستین پایگاه سیاسی - فرهنگی مورد استفاده واقع شد و در پی آن پاسارگاد در محدوده شمالی استان فارس به صورت رسمی جایگزین آن شد. در پاسارگاد شهری بنا شد با مصالح بسیار ماندگارتر از آنچه در اَنشان (مَلیان) تجربه شده بود. فرمانروایی واپسین ایلامی‌های حاکم در منطقه جنوب ایران در سده ششم قبل از میلاد به سازمان حکومتی بزرگی تبدیل شده بود که ناگزیر از ایجاد بناهایی عظیم و به‌کارگیری هنرمندانه‌ترین اسلوب‌های معماری روزگار خویش بود.

در همین مرحله، کوروش در شهر کهن اَنشان ساختاری مدیریتی به ارث برده بود که باید این نظام مدیریتی، در ساخت بزرگ‌ترین بناهای سنگی دوره باستان، پاسارگاد و سپس تخت جمشید تجلی می‌یافت.

در مرحله دوم، ساختار سازمان حکومتی ایجاب می‌کرد تا شکوه و عظمت هنری در ساخت بناهای حکومتی به نمایش گذاشته شود و این عظمت و یکپارچگی در فهم بزرگ‌ترین بیانیه‌های سیاسی حکومت به صورت رسمی ارائه شود. داریوش یکم رسما بزرگ‌ترین اعلامیه سیاسی روزگار خود را در شاهراه تاریخی محور شرق و غرب در مسیر راه باستانی ابریشم در صخره‌ای به ارتفاع ۲۰ متر اعلام می‌دارد.

در این سنگ‌نوشته برای نخستین‌بار ظهور سازمانی حکومتی و مفهوم سیاسی قلمرو حکومتی اعلام می‌شود.

در فهم و درک همین ساختار سیاسی گسترده حکومتی است که تمام آثار هنری یک بنای سمبلیک نظیر تخت جمشید در طی ۱۵۰ سال با اندیشه القای قدرت و بسط ایدئولوژیک سیاست شکل می‌گیرد. سپس، در محدوده‌ای از مصر تا دریای اژه از یک طرف و از طرفی از دره ایندوس تا آسیای مرکزی، سرزمینی با فرهنگ‌های مختلف و متنوع و با زمینه‌های فرهنگی کم‌وبیش متفاوت در قلمرو حکومتی سازمان سیاسی هخامنشی اداره می‌شود. در محدوده مرکزی این امپراتوری، پایتخت‌های هنری این سازمان حکومتی نظیر پاسارگاد، تخت جمشید و کاخ‌های جدیدالاحداث بر خرابه‌های شوش و بابل بنا می‌شود و هنر زبان بیان جامعه هخامنشی می‌شود.

در مرحله سوم اندیشه‌های خلاق جامعه هخامنشی از قلمرو هسته اصلی خود فرامی‌رود و در پهنه وسیع جغرافیای سیاسی حکومت هخامنشیان، بسیاری از سرزمین‌ها با منابع غنی و متنوع به مجموعه قلمروی این حکومت افزوده شدند و دسترسی گسترده به شاهراه‌های تجاری حوزه‌ای وسیع میسر شد. در حقیقت با افزایش ثروت و گسیل مجموعه ثروت‌های به‌دست‌آمده از فتح سرزمین‌ها به مرکز و در پی آن اهدای مجموعه تحفه‌های هنری در گرامیداشت جشن‌های نمادین سالانه در مرکز بر توان مدیریتی و تدابیر شاهانه افزوده شد و در مقابل، امنیت لازم برای مناطق گسترده تحت فرمانروایی فراهم شد.

تأمین امنیت لازم و تولید ثروت در محدوده امپراتوری منجر شد تا ارتش عظیمی از تمام مناطق فراهم شود و در همین فرایند توسعه، بخش‌های ارضی این سرزمین وسیع در چارچوب یک حکومت منسجم سازمان‌دهی شوند.

در تمام طول دوره فرایند شکل‌گیری قلمرو جغرافیایی هخامنشیان، منطقه جنوب غرب ایران به‌عنوان مهم‌ترین بخش منحصربه‌فرد جامعه هنری هخامنشیان باقی ماند و پایتخت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی جامعه هخامنشی در این محدوده فقط با اتکا به هنر و نوآوری در زبان و بیان هنر پایدار ماندند.

به دلایل ساختار طبیعی، هسته مرکزی حکومت‌های یکپارچه ایران باستان حتی بعدها هم در این محدوده شکل گرفت و از این محل، قلمرو حکومتی خود را گسترش دادند؛ بنابراین فهم زبان خلاقانه و نوآور هخامنشی که آثار هنری نظیر تخت جمشید محصول آن می‌شود در یک بستر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است که تلاش کرده با اندیشه‌های نوین، هویت‌ساز، منسجم و در عین حفظ یکپارچگی قلمرو ارضی بتواند با ترکیب روح هنری اصیل تمام سرزمین‌های گذشته و معاصر با هسته مرکزی و ایدئولوژیک در قلب ایران در شهر پارسه تخت جمشید در پیوند باشد.

به این دلایل تخت جمشید با تمام تناسب‌ها، وحدت هنری و انسجام فرهنگی شکل می‌گیرد و تا به امروز با کارکرد عنصر وحدت ملی و ارضی ایران در هنر، اصالت، فرهنگ و مدنیت جامعه ایرانی محسوب می‌شود که بعدها این میراث به عصر اسلامی انتقال پیدا می‌کند و در بستر جامعه اسلامی اصالت‌های هنری و فرهنگی جامعه ایرانی کامل می‌شود.

*مدیر پایگاه میراث جهانی منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس در فیروزآباد و سروستان

# باستان‌شناسی؛ بازسازی فرهنگ مردمان گذشته

الهام فرنام*

با آنکه دانش باستان‌شناسی در جهان قدمتی کمتر از ۲۰۰ سال دارد اما حفاری آثار قدیمی از هزاران سال قبل با هدفی کاملا متفاوت رواج داشته است. حفاری و جست‌وجوی خرابه‌ها برای یافتن طلا و نقره در آداب و رسوم و ادبیات و ضرب‌المثل‌ها و حتی احکام دینی ما نفوذ کرده است. با وجود اینکه توجه و حس کنجکاوی و علاقه به آثار گذشتگان در ابتدا بسیار مفید واقع شد و اطلاعات زیادی درباره تمدن‌های باستانی در اختیار بشر امروزی قرار داد، اما به‌تدریج با ارزش‌یافتن آثار عتیقه، از مسیر اصلی خویش منحرف شد و در مجرای زیان‌بخش جمع‌آوری عتیقه و یافتن گنج قرار گرفت. گسترش حفاری‌ها بدون درنظرگرفتن ضوابط باستان‌شناختی و تجارت آثار مکشوفه در این حفاری‌ها که عموما با وجود اینکه ارزش تجارتی داشتند، ولی هویت اصلی آنها از نظر قدمت و تعلق آنها به تمدن و دوره مشخص، دستخوش اضطراب قرار گرفته بود، زیان‌های جبران‌ناپذیری به محوطه‌های باستانی در سراسر جهان وارد آورد.

در اواخر قرن نوزدهم میلادی که توجه به اماکن تاریخی و کاوش آنها شدت گرفت، هدف اولیه یافتن اشیا به‌عنوان «گنج» برای تکمیل مجموعه‌های خصوصی بود. تا اینکه از اوایل قرن بیستم موضوع «علم باستان‌شناسی» مطرح شد و توجه به فرهنگ و تمدن گذشته برای مطالعه سرگذشت انسان‌ها و پی‌بردن به شیوه‌های زندگی آنان از روی یافته‌های باستانی به‌جامانده از آنان شکل گرفت. از این زمان دیگر هرگز یافتن اشیا با هدف و انگیزه پیداکردن گنج نبود، بلکه باستان‌شناسی با مطالعه دقیق در ذره‌ذره و لایه‌لایه خاک توانست تاریخ، فرهنگ، تمدن، شیوه زندگی، باورها و اعتقادات، پیشرفت‌های صنعتی، دادوستد و بسیاری از نقاط تاریک جوامع انسانی گذشته را تدوین کند. به‌این‌ترتیب استخوان‌های دفن‌شده کودکی نوپا در یک غار دوره فراپارینه سنگی متعلق به ۱۵ هزار سال قبل، یک دانه گندم اهلی سوخته در یک محوطه نوسنگی مربوط به ۱۰ هزار سال قبل، یک تکه شکسته سفال منقوش چرخ‌ساز در یک کارگاه سفالگری دوران مس سنگی مربوط به پنج هزار سال قبل، یک سر پیکان مفرغی چهارهزارساله باقی‌مانده در قفسه سینه یک اسکلت در یک گورستان عصر مفرغ، بقایای استخوان‌های کامل یک اسب تدفین‌شده سه‌هزارساله در یک گورستان عصر آهن، همه و همه علاوه بر آنکه رمز و رازها و سرگذشت انسان‌های گذشته را بازگو می‌کنند، هزاران پرسش جدید را پیش‌روی باستان‌شناسان قرار می‌دهند.

حفاری‌های قاچاق یا مخفیانه و تجارتی که بدون روش صحیح علمی و به منظور جمع‌آوری عتیقه انجام می‌گیرد، خسارت جبران‌ناپذیری به آثار باستانی وارد می‌کند، چراکه در این حفاری‌ها، اساس و بنیان طبقه‌بندی لایه‌های باستانی و ارتباط یافته‌ها با این لایه‌ها و با یکدیگر که از اصول اولیه دانش باستان‌شناسی است، در اثر کندوکاوها مضطرب شده و متأسفانه برگرداندن آنها به نظم و ترتیب اولیه هرگز امکان‌پذیر نیست. باید توجه داشت که آثار و محوطه‌های باستانی با گذشت زمان و در طول هزاران سال، لایه‌لایه روی هم قرار گرفته و تشکیل می‌شوند. در اثر حفاری‌های غیرعلمی و ناشیانه بدون شناخت این لایه‌های باستانی و مستندنگاری آنها توسط عده‌ای که فقط توجه به یافتن اشیا دارند، نه‌تنها منجر به ازبین‌رفتن نظم و ترتیب لایه‌های باستانی می‌شود، بلکه مدارک دیگری را که جنبه تجاری ندارند، مانند قطعات سفال، استخوان‌های انسانی و جانوری، دانه‌های گیاهی، ابزارهای سنگی، بقایای معماری، مهرها و اثر مهرها و ده‌ها مدرک و یافته باستانی تخریب کرده و از بین می‌برند و با ازبین‌رفتن آنها مدارک و شواهدی که بدون شک در هنگام کاوش‌های اصولی و علمی می‌توانستند گوشه‌ای از تاریخ و فرهنگ غنی گذشته این کشور را روشن کنند، محو شده و برای همیشه نابود می‌شوند. ذکر این نکته ضروری است که امروزه در علم باستان‌شناسی اشیای باستانی فقط در صورتی ارزش علمی دارند که هویت آنها از نظر حفاری و قرارگیری آنها در لایه‌های باستانی روشن و محرز باشد. به عبارت دیگر اشیای باستانی بدون هویت با وجود اینکه ممکن است از نظر هنری یا تجاری ارزش داشته باشند، ولی نمی‌توانند به‌عنوان مدارک اصیل و مستند در تحقیقات علمی مورد استناد پژوهشگران قرار بگیرند.

به‌تازگی جمعی از نمایندگان بی‌اطلاع از مبانی علم باستان‌شناسی مجلس شورای اسلامی بدون مشورت با هیچ‌یک از نهادهای رسمی باستان‌شناسی کشور طرحی با عنوان «استفاده بهینه از اشیای باستانی و گنج‌ها» تدوین کرده‌اند که در آن فرایند کاملا تخصصی کاوش محوطه‌های باستانی به افراد بدون صلاحیت صرفا با گذراندن یک دوره آموزشی کوتاه‌مدت واگذار شود و سپس امکان فروش مواد فرهنگی تحت عنوان واژه «گنج» در داخل و خارج از کشور تحت عنوان واژه «ارزآوری» را فراهم کند. گذشته از آنکه میراث فرهنگی یک کشور که بیانگر هویت ملی مردم آن کشور است، به هیچ قیمتی قابل فروش نیست، باید بدانیم که باستان‌شناسان فعال در حوزه کاوش‌های میدانی در ایران نه‌تنها ملزم به تحصیل در رشته باستان‌شناسی به مدت حداقل ۱۱ سال (تا اخذ مدرک دکتری) هستند، بلکه سال‌ها در هیئت‌های باستان‌شناسی به کسب تجربه می‌پردازند. مجوز کاوش محوطه‌های باستانی توسط پژوهشکده باستان‌شناسی به‌عنوان تنها نهاد واجد صلاحیت در صدور مجوز قانونی کاوش، پس از جلسات شورای تخصصی در حضور متخصصان نامدار هر حوزه به باستان‌شناسان واجد صلاحیت، داده می‌شود و باستان‌شناس نیز موظف به ارائه و انتشار مستندات و یافته‌های پژوهشی خود شامل نحوه کشف، لایه‌ای که اشیا از آنها به دست آمده، رابطه اشیای باستانی با یکدیگر، استانداردهای کاوش، ثبت و ضبط دقیق، مطالعات علمی و آزمایشگاهی روی اشیا می‌گردد که بدیهی است تنها از عهده باستان‌شناسان متخصص و باتجربه با صرف وقت و هزینه فراوان برخواهد آمد نه هر فردی که در دوره یادشده شرکت کرده باشد. در یک کلام، برخلاف تصور غلط رایج، هدف باستان‌شناسی گنج‌یابی! نیست، بلکه هدف اصلی بازسازی فرهنگ مردمان گذشته است که ما میراث‌دار آن هستیم و باستان‌شناس نیز گنج‌یاب یا فروشنده اشیای عتیقه نیست، بلکه پاسدار میراث و فرهنگ این مرز و بوم است.

*باستان‌شناس و پژوهشگر انسان‌شناسی جسمانی